

شماره پست: ۵۷۷۱ پست‌خانه دولتی
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰
 شماره تلفن: ۶۷۱
 شماره فکس: ۶۷۱
 شماره اینترنتی: ۵۷۷۱-۰۰۵-۰۰۵
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰
 شماره پستی: ۱۹۱۳۹
 شماره تلفن: ۶۷۱
 شماره فکس: ۶۷۱
 شماره اینترنتی: ۵۷۷۱-۰۰۵-۰۰۵

اندیشه در تخت جمشید

(پارسه)

دکتر اردشیر خورشیدیان

۱۳۹۲

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۹	سخن آغاز
۲۳	فصل اول: تخت جمشید از دیدگاه تاریخی (قدمت)
۲۹	فصل دوم: هدف از ساخت تخت جمشید
۳۵	فصل سوم: تخت جمشید، از دیدگاه عظمت و شکوه
۴۵	فصل چهارم: چگونگی ساخت و ساز بنای شکوهمند تخت جمشید
۵۹	فصل پنجم: تخت جمشید از دیدگاه معماری و مهندسی
۶۹	فصل ششم: تخت جمشید، از دیدگاه تکنولوژی
۸۳	فصل هفتم: تخت جمشید، از دیدگاه هنر والای ایران باستان
۸۹	فصل هشتم: اندیشه موجود در تخت جمشید (رسم تصاویر دارای مفهوم اندیشمندانه)
۱۰۳	فصل نهم: تخت جمشید از دیدگاه ابداع و ابتکار
۱۱۱	فصل دهم: تخت جمشید از دیدگاه سرگذشت دلپذیر خط و زبان
۱۱۹	فصل یازدهم: تخت جمشید از نگرش فلسفی و اعتقادی
۱۲۹	فصل دوازدهم: انسانیت در تخت جمشید
۱۴۱	فصل سیزدهم: تخت جمشید از دیدگاه مقایسه با سایر آثار باستانی جهان
۱۵۳	سخن پایان
۱۶۵	فهرست تصاویر
۱۶۹	فهرست واژه‌ها

پیشگفتار

پارسه «تخت جمشید»

«شهری که آن همه ملل برای گرفتن قانون به آنجا می رفتند»

کنت کورث

ایرانیان باید برپایه منطق تاریخ به مفهوم کلی، خود را بشناسند و به وظایفی که در پناه این شناخت دارند، عاشقانه عمل کنند.

یکی از ابزار و افزار شناخت تاریخ راستین، فرهنگ و هنر، تمدن، آثار بازمانده و قدمت ملت است. چه بسیار نورسیدگان برای آنکه به ملیت و فرهنگ خود اعتبار و هویت بخشند، به دنبال پیشینه تاریخی می گردند و گاه به تاریخسازی می پردازند تا بر آن تکیه کنند و همچون پایگاه استواری از آن برای نشان دادن خود و راه یافتن به عرصه سیمرخ و کشورهای با فرهنگ و کهنسال بهره برداری نمایند. مکتب‌هایی که قارچ‌گونه سربر می آورند و چون بر پایه‌های اخلاقی سنجیده و فرهنگی توانا و دیرآهنگ قرار ندارند، برای کسب اصالت تاریخی در پی دستاویز برمی آیند. این دستاویزها پیشینه تاریخی، فرهنگی و ویژگی‌های آیینی، اخلاقی و گاه نژادی است.

مایرانیان و مللی همانند ما که در درازای هزاران سال، آفریننده اندیشه، فرهنگ و تمدن بوده‌ایم، با غنای تاریخی و علمی که داریم، چرا باید از خود بیگانه باشیم و دست به دامان هر بیگانه بیازیم و غارتگری‌ها و تجاوزهای فرهنگ دیگران را به نام ره آورد و نوآوری پذیرا باشیم و در این جهان پهناور، سرگردان از خود بیگانه و گریزان؟

خودناشناسی و خودباختگی ما سبب شد تا دیگران گنجینه دانش و معرفت ما را از راه‌های گوناگون به یغما برند و ما از راه و نگاه آنان، کم و بیش به گذشته خویش آشنا شویم.

درست است که شاهنامه بر پایه خدای نامک‌ها مانع از آن شد که پیشینه ملی ما از خاطره‌ها سترده شود، اما اگر چنین باشد که ما همواره بخواهیم تا دیگران راه‌یابی ما را به فرهنگ و هنر و تمدن ایران زمین هموار سازند و پیشگام باشند - در واقع خواسته‌ایم از دیدگاه دیگران که گاه از آلودگی به سیاست‌های ویژه‌ای برکنار نیست - خود را بشناسیم. باید بدانیم که شناخت تاریخ، دانش و فرهنگ و دین و هنر و همانندهای آن از دیدگاه این و آن بیگانه، پسند دانشوران و خردمندان نیست و گاه خودبیگانگی همراه دارد.

ما باید در این راه به دشواری‌ها تن در دهیم و از گذرگاه‌های سخت تحقیق و بررسی با شکیبایی گذر کنیم تا بتوانیم با آشنایی روشن و کاملی که به آداب و سنت و رفتار و فرهنگ خود داریم، از دیدگاهی مطمئن بررسی و پژوهش را آغاز کنیم و فنون و حیات اجتماعی خویش را از ریشه و بن بشناسیم. در این صورت است که شناخت ما با پیروی از روش‌های علمی از هرگونه بدگمانی، نقص و آلودگی به غرض خاص برکنار است و ما را بیشتر به توانایی‌های خویش آگاه می‌سازد.

۲۵۰۰ سال است که پارسه با ستون‌های برافراشته، نقشه‌ای دلربا و نوشته‌های پر بار، سند بزرگی و میراث شکوهمند فرهنگ کشور ما را در دل خاک پنهان کرده و به ما رسانده است. این ساختار بزرگ که هر بیننده‌ای را مسحور می‌کند، در خاور جلگه تاریخی مرودشت در دامنه کوه مهر (رحمت) قدبرافراشته و رویدادهای سرزمین ما را در گذر زمان نظاره می‌کند. جایگاهی که همه چیزش گیرا، هر بخش آن فریفتار و هر نقش آن دلربا و افسونگر است. به راستی که این همه دلربایی و جذابیت مایه شگفتی است.

اما جای بسی نگرانی و اندوه هم هست، زیرا برخی از بی‌خبران بر این میراث فرهنگی کهن که در خاک پنهان مانده بود آگاهی ندارند و ارج و ارزش آن را نمی‌شناسند.

بر این ساختار فرازنده و استوار تجاوزها و ستم‌ها رفته است. از قهر طبیعت و گذشت زمان و تاخت و تازهای قهرآمیز این و آن که بگذریم، بیگانه و خودی بر تارک این بارگاه کوفتند و ناشیانه دل خاک را شکافتند و شکستند و گوهرهایی بی‌بدیل را برودند و فروختند و یا به موزه‌های علمی جهان سپردند. گوهرهایی که حتی پاره‌ای ناچیز از آن راز تمدن و فرهنگ گذشته ما را می‌گشود.

شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که تا نود سال پیش با چهارپایان از فراز آن می‌گذشتند و چه بسا ناآگاهی که با تیراندازی تفریحی، به نقش‌ها نشانه رفته و آنها را خرد کرده‌اند. انسان هنگامی که به دیدار این مکان و بازمانده‌های فرهنگی و هنری نیاکان خود می‌رود، بیش از همه به بزرگی اندیشه و عظمت اراده و پشتکار و کوشش سازندگان آن پی می‌برد و پیام‌هایی را دریافت می‌کند که از آن نبوغ و کاردانی ایرانی را درمی‌یابد. مردمانی که کشوری به نام ایران با گستردگی پنج برابر ایران امروز را پایه‌گذاری کردند و کاخ پارسه را پی‌ریختند، نمونه برجسته‌ای از اراده سیاسی در گستره بزرگ جغرافیایی را نمودار ساختند و نظم و قانون بر جامعه‌شان حکومت می‌کرد. به ویژه در سده نخست زمامداری آنان، ثبات کامل استوار بود، چنانکه ضرب‌المثل «مگر قانون ایران است که تغییر نمی‌کند» معرف این ثبات و نظم می‌باشد.

مؤلف بزرگ و دانش دوست کتاب نگرشی نو بر تخت جمشید، آقای دکتر اردشیر خورشیدیان که هم مرد دانش و دین هستند و هم پزشک، با همه دشواری‌ها ضمن بررسی‌های ژرفی که به هنگام فراغت انجام داده‌اند، اثر ارزشمند و پر بهایی پدید آورده و به فرهنگ دوستان ایران به ویژه جوانان کشور ارائه داده‌اند. این کتاب نتیجه مطالعه و تلاش یکی از مردان فرهیخته و دلسوخته این سرزمین مقدس است که به خوبی می‌تواند آگاهی‌های سودمندی را به ویژه به جامعه جوانان کشور که رجال آینده میهن هستند، بدهد. از سوی دیگر امید است که مؤلف گرامی این فرصت را داشته باشند که در زمینه‌های دیگر فرهنگی، هنری، دینی و پزشکی آثار نوینی پدید آورند و به رسایی و توانایی فرهنگی کشور بیفزایند. چنین باد.

